

حجاب مقوله‌ای فرهنگی و ترویج فرهنگ حجاب نیازمند کار فرهنگی است، هر چند در این حوزه کم‌کاری‌های زیادی صورت گرفته است اما در گوشه و کنار کشورمان کم نیستند افرادی که در حوزه ترویج فرهنگ حجاب و عفاف کارهای قابل قبولی انجام داده‌اند. یکی از نمونه‌های این افراد خانم زهره خراشی است که در دانشگاه آزاد واحد دامغان تلاش‌هایی را برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب کرده‌اند. انجام گرفته است؛ دختران جوانی که به تلاش‌هایی برای آنکه به آنها القا شود حجاب رفتار بوده‌اند، انجام گرفته است؛ در صورت با ریشه‌یابی فلسفه است به دنبال فلسفه هر یک از پوشش‌های معمول در جامعه بروند و به این صورت با ریشه‌یابی فلسفه نوع پوشش‌های جاری، آنها به فلسفه پوشش‌های اسلامی پی برده‌اند و تغییر محسوسی در نوع لباس پوشیدن‌شان دیده شده است. همین افراد سفیران فرهنگی حوزه حجاب و عفاف در دانشگاه شده‌اند. پای صحبت زهره خراشی، مسئول مرکز سلاله (مرکز تحقیقات حقوق زن و خانواده دانشگاه آزاد واحد دامغان) می‌نشینیم تا برای‌مان از الگوی موفق دانشگاه خودشان در حوزه حجاب و عفاف بگوید.

■ ■ ■

خانم خراشی! درباره فعالیت‌هایی که در حوزه فرهنگ‌سازی حجاب داشته‌اید برای‌مان بگویید.

ما یک مرکز تحقیقات ذیل موضوع حقوق زن و خانواده در دانشگاه آزاد واحد دامغان هستسیم. این مرکز تحقیقات کارهای متفاوتی انجام می‌دهد. بیشتر کارهای این مرکز پژوهش محور است. کارشناسان ما ذیل کارشناسان نخبه کشوری دنبال چالش‌هایی هستند که در شهر و استان وجود دارد و کارهای پژوهشی انجام می‌دهند. ساختار این مرکز وابسته به بسنج دانشجویی است و باید از افرادی استفاده کنیم که رنگ و بوی انقلابی دارند. اما ما دیدیم افرادی هستند که فارغ از هر رنگ و بندی، دغدغه‌های انسانی دارند، پس تصمیم گرفتیم از این افراد هم استفاده کنیم. شاید حرفی که اینها می‌زنند، منطقی نباشد. بر این اساس تصمیم گرفتیم به این بزرگواران هم فرصت دهیم. وقتی این افراد وارد کار ما شدند، متوجه شدیم برخی از آنها واقعاً نخبه هستند، هر چند پوشش آنها مشابه ما نبود، اما افکارشان برای انقلاب از اتمال من مناسب‌تر و زیننده‌تر بود. به همین خاطر تصمیم گرفتیم بیشتر از این افراد استفاده کنیم. تا زمانی که به نارامی‌های مهران در کشور رسیدیم و ما هم در دانشگاه‌مان چالش‌های این دوران را تجربه کردیم، اما به واسطه مدیریت دانشگاه یک مقدار کنترل شده‌تر بود. ما با دانشجویانی مواجه بودیم که پوشش‌شان تغییر کرده بود و این مسئله در دانشگاه ما هم ایجاد شده بود و خارج از این چرخه نبودیم. یک روز من در اتاق نشسته بودم و دیدم برخی از دانشجویان ما با نوعی از پوشش آمده بودند که حتی در دنیای غرب هم در دانشگاه‌ها پذیرفتنی نیست چراکه دانشگاه‌های غربی هم از یک قوانین خاصی پیروی می‌کنند. در چنین شرایطی بود که من خیلی به فکر فرو رفتم که باید چه کار کنیم. مانتویی که خودم پوشیده بودم هم مدل سسارافون بود. به ذهنم رسید که به بچه‌ها بگویم بچه‌ها بیایند به صورت گروهی روی این موضوع کار کنیم که ریشه لباس‌های‌مان از کجا آمده است. ما باید متوجه شویم که چرا برخی از بچه‌های ما لباس‌های پوشیده‌تر و برخی لباس‌های باتر می‌پوشند. اصلاً کاری به غلط و درست این ماجرا نداریم بلکه می‌خواهیم ریشه‌های این ماجرا را در بیاوریم و ببینیم کدام درست‌تر است. اگر هر کدام درست‌تر است تغییر رویه دهیم و اگر هر دو غلط است یک راهکار سوم پیدا کنیم و حد تعادل داشته باشیم. ما باید ببینیم فلسفه لباس پوشیدن‌مان چیست. همانطور که فلسفه اجزای سفره هفت‌سین را می‌دانیم و برایش توجیه داریم و هر کدام از رفتارهای‌مان معنایی دارد.

وتدوین

چرا به عنوان شیعه کمتر به مادران اهل بیت(ع) متوسل می‌شوید؟ چرا از این زنان بسیار اندک صحبت می‌کنید؟ یا از زندگی و شخصیت آنها چیزی می‌دانید؟ حقیقتاً مردم تا چه حد با شخصیت «سوسن» آشنا هستند؟ این بانوی بزرگوار مادر امام حسن مسکری(ع) است و در زمانی که فتنه بزرگ برپا شد، مؤثر و مهمی در هدایت شیعیان و دفع بلا داشت.

شیعیان بسیار اندکی این بانوی بزرگوار را می‌شناسند و بی‌خبرند که اسام زمان(ع) مادر بزرگ خود را بسیار دوست دارد، بنابراین فرصت خوبی است که از «سوسن» در خواست کنید تا اسطه‌ای میان شما و نوازش بشود، اما تا به حال کسی را دیده‌اید که این کار را بکند؟

مهدی خدامیان آرانی برای مدت‌ها چنین سؤال‌هایی در ذهن خود داشت و احساس می‌کرد لازم است برای

خودم را مثال زدم که چرا باید چنین پوششی داشته باشم. چرا باید چادر سر کنم. من از آنجا که طراحی لباس می‌کنم، ریشه برخی از این پوشش‌ها در ذهنم بود. یکی از بچه‌ها را که از لحاظ علمی سطح بسیار بالایی داشت، برای این کار انتخاب کردم و به او گفتم من به جز تو نمی‌توانم به کس دیگری اعتماد کنم و این وظیفه را به تو می‌سپارم، چون هسته قبلی تحقیقات را هم بسیار خوب به سرانجام رساندی. این دختر دانشجوی ما اول کمی گارد گرفت اما من به او گفتم شما در کار قبلی که در رابطه با سقط جنین بود توانستی به خوبی از پس کار بر بیایی و این بار هم می‌توانی کار را به خوبی انجام دهی.

آیا این خانم خیلی محجبه نبود؟

اصلاً، پوشش‌اش به گونه‌ای بود که آن روز من از دیدن نوع لباسش غافلگیر شدم. بعد به شکل دوستانه و با شوخی به او گفتم مسخره‌بازی در نیابور، هر کارشناسی هم که در سطح استان بخواهی، ما به تو معرفی می‌کنیم. بالاخره قبول کرد این کار را انجام دهد.

و نتیجه کار چه شد؟

اولین تغییر در خودش به وجود آمد. هفته بعد که به مرکز آمد نوع پوشش‌اش تغییر محسوسی کرده بود. یک جست‌وجوی سساده در اینترنت متوجه شده بود و این مسئله در دانشگاه ما هم ایجاد شده بود و بلند شدم و سسارافونم را درآوردم و گفتم هر کدام از ما



زنان

سرویس اجتماعی ۸۸۴۹۸۴۰

گفت‌وگوی «جوان» با مسئول مرکز تحقیقات حقوق زن و خانواده دانشگاه آزاد واحد دامغان

پاسخ به شبهات حجاب و عفاف با زبان علم رمز موفقیت ماست



باید بدانیم چه لباسی می‌پوشیم. مثل اینکه بسیاری از افراد معنی واژه‌های انگلیسی نوشته شده روی لباس‌های‌شان را نمی‌دانند. این ماجرا باعث شد این دانشجوی‌مان بیشتر درگیر شود و هسته تحقیقاتی اولیه را شکل دهد و درباره لباس‌ها و به ویژه اقوام، اصالت و فرهنگ ایرانی تحقیق کرد. این دانشجو و سه تن از دوستانش این تحقیق را انجام دادند و من اولین تغییر را در خودش دیدم.

برنامه‌های بعدی شما چه بود؟

من به یکی از مسئولان دانشگاه پیشنهاد دادم همین مسئله را به شکل مناظره در سطح گسترده برای رعایت کرده‌است.

چادری شده بود؟

نه درست است که این دختر ه چادری نشد اما تغییر محسوسی در نوع پوشش‌اش دیده می‌شد. مانتوی جلو بسته دکمه‌داری پوشیده بود که من به شوخی پرسیدم ناقلان مانتوی زیبارا از کجا خریده‌ای که من هم بخرم کردم. به نوعی به این بچه‌ها هویت بدهم و بقیه هم در مسیر آنها حرکت می‌کردند. وقتی یکی از آنها را تشویق می‌کردم، بقیه هم سعی می‌کردند در این مسیر قرار بگیرند. این چهار دانشجو در عمل لیدر دانشگاه شدند و خودشان در ساعت‌های بین کلاس‌ها و در زورنال کلاب‌های‌مان می‌رفتند و از پوشش دفاع می‌کردند.

بخش عمده‌ای از چالش‌هایی که در نوع پوشش جوانان ما ایجاد شده است، بعد از ماجرای اغتشاشات مهرماه بود. آیا شما در دانشگاه در این مقطع زمانی با چالش‌های تازه‌تری مواجه نشدید؟

در اوج شلوغی ماجراهای سیاسی، مهران در دانشگاه یک همایش حقوق خانواده بر گزار کردیم. فرمانداری دامغان گفته بود این کار را انجام ندهید به اغتشاش ختم می‌شود اما بچه‌ها ایستادند و گفتند ما می‌خواهیم این همایش را برگزار کنیم و خودمان فضا را مدیریت می‌کنیم و واقعاً هم ایستادند و فضا را مدیریت کردند. در این همایش فقط دو سسه نفر پوشش غیر متعارف داشتند و بقیه همه پوشش‌های مناسب و متعارفی داشتند و هیچ کس شعار یا ن‌قلمتی نمی‌آورد و همه در مسیری که می‌خواستیم قرار گرفتند. ما توانستیم گروهی از بچه‌ها را که در این مسیر قرار گرفته بودند، به لطف خدا و تلاش این چهار نفر کنترل کنیم.

آیا فعالیت‌های شما همچنان ادامه دارد؟

بله، هنوز هم همین گفتمان ادامه دارد و این دوستان در هر جمعی که وارد می‌شوند، این گفتمان را راه می‌اندازند و به صورت علمی و بدون پیش‌فرض دین از پوشش دفاع می‌کنند. من گفتم اگر می‌خواهید کاری بکنید منهای پیش‌فرض دین کار نکنید، اما حجاب امری دینی‌الست البته اگر این امر دینی با زبان علم اثبات شود، به طور یقین تأثیرگذارتر خواهد بود.

به نظر من ما یک زمانی از دین گفتسیم، هم دین را به چالش کشیدیم و هم خودمان را! وقتی چیزی را نمی‌دانیم بهتر است درباره آن صحبت نکنیم. از چیزهایی باید بگوییم که درباره آن اطلاعات داریم. وقتی با دوستان و فسالان حوزه فرهنگی صحبت می‌کنم، می‌گویند چقدر خوب است که ما بحث حجاب را هم از حوزه علمی پیش ببریم. اینکه از منظر علمی توضیح دهیم چرا خانم‌ها باید قسمت‌هایی از بدن‌شان پوشیده باشد و چرا خداوند به زنان حکم حجاب را داده است. بر این اساس در حال حاضر دوستان ما خودشان پلن‌های بعدی را می‌چینند و من باید مطالعه کنم تا اطلاعات و دانشم به آنها برسد.

آیا شما هم در دانشگاه با پدیده بی‌حجابی و کشف حجاب مواجهید؟

دانشگاه ما دانشگاه بزرگی است و نمی‌گویم همه را به راه آورده‌ایم. من خودم هفت‌هشت نفری را می‌بینم که با این دوستان ما خیلی وارد محاجه شده‌اند، ولی این دوستان ما هر سؤالی که پیش می‌آید، سریع به دنبال منبع و دیتاهای علمی می‌روند تا بتوانند شبهات اینها را جواب دهند. بچه‌ها توانسته‌اند با زبان خوش و روی خندان اوضاع را کنترل کنند.

یعنی هسته اولیه شما چهار نفر از بچه‌ها بودند که خیلی هم پوشش مناسبی نداشته‌اند اما تحقیق درباره فلسفه نوع پوشش‌های‌شان موجب شده تا آنها تغییر کنند. درست است؟

بله.

و آیا همه اینها دانشجو هستند؟

بله، اینها همه دانشجویان دانشکده حقوق ما هستند. خوبی این حلقه دانشجویی این است که خودشان از همین افراد بودند. بچه‌های ما کسانی بودند که خودشان ناخن‌شان همیشه کاشته شده بود اما در حال حاضر این کار را انجام نمی‌دهند، چون می‌گویند من اگر این کار را انجام دهم به ناخن‌هایم آسیب می‌زند و کاملاً علمی می‌برند.

نقطه قوت کار خودتان را در چه می‌دانید؟
نقطه قوت کار ما این است که از خود بچه‌هایی که تجربه و رفتارهای غیراسلامی داشتند، استفاده کردیم. من این توانمندی را در خودم نمی‌دیدم و بچه‌های به قول خودمان انقلابی نمی‌توانستند این کار را بکنند. چون علیه ما جبهه گرفته بودند و کار ما را غلط می‌دانستند. اما اینکه افرادی از بدنه خودشان بالا آمدند و مدافع چنین مسائلی شدند، شبیه یک معجزه است. من معتقدم درباره چیزی که نمی‌دانیم نباید صحبت کنیم. من خودم را مطلق نمی‌دانم، چرا باید این پوشش را داشته باشم، چرا باید نماز بخوانم چرا باید قرآن بخوانم، وقتی خودم نمی‌دانم، نمی‌توانم مدافع آن باشم. این نیازمند کار علمی و کارشناسی است و معتقدم هر موقع توانستیم اشراف کامل پیدا کنیم باید درباره چیزی صحبت کنیم، در غیر این صورت اگر چند سؤال و شبهه از ما پرسند و نتوانیم جواب دهیم، عملاً همه کارهای‌مان نابود شده است و می‌گویند اینها خودشان نمی‌نمانند اما طوطی‌وار تکرار می‌کنند، بعد اینها می‌خواهند به ما لگو بدهند.

یعنی در واقع وارد پاسخ به شبهات شدید، آن هم با زبان جوانان امروزی؟
بله دقیقاً، ما آن قالب را شکستیم که بگوییم خدا گفته است، دین گفته است، به دنبال این رفتم تا الزام دین را اثبات کنیم. این کار کاملاً تخصصی است و به نظر من علما و مراجع هم باید وارد این حوزه شوند.

نگاه



تشابه نه تساوای آری

اسلام در روابط و حقوق خانوادگی زن و مرد فلسفه خاصی دارد که با آنچه در ۴ قرن پیش می‌گذشته مغایرت دارد و بسا آنچه در جهان امروز می‌گذرد نیز مطابقت ندارد.

از نظر اسلام این مسئله هرگز مطرح نیست که آیا زن و مرد دو انسان متساوی در انسانیت هستند یا نه و آیا حقوق خانوادگی آنها باید ارزش متساوی با یکدیگر داشته باشند یا نه؟ از نظر اسلام زن و مرد هر دو انسانند و از حقوق انسانی متساوی بهره‌مندند.

از نظر اسلام مطرح است این است که زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن است و دیگری مرد، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند، جهان برای آنها یک جور نیست، خلقت و طبیعت آنها را یکنواخت نخواست است و همین جهت ایجاب می‌کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها وضع مشابهی نداشته باشند. در دنیای غرب، اکنون سعی می‌شود میان زن و مرد از لحاظ قوانین و مقررات و حقوق و وظایف وضع واحد و مشابهی، به وجود آورند و تفاوت‌های غریزی و طبیعی زن و مرد را نادیده بگیرند. تفاوتی که میان نظر اسلام و سیستم‌های غربی وجود دارد در اینجاست. علیهذا آنچه اکنون در کشور ما میان طرفداران حقوق اسلامی از یک طرف و طرفداران پیروی از سیستم‌های غربی از طرف دیگر مطرح است، مسئله وحدت و تشابه حقوق زن و مرد است نه تساوای حقوق آنها. کلمه «تساوی حقوق» یک مارک تقلبی است که مقلدان غرب روی این رهاورد غربی چسبانیده‌اند.

بنده همیشه در نوشته‌ها، کنفرانس‌ها و سخنرانی‌های خود از اینکه این مارک تقلبی را استعمال کنم و این فریب‌نامه را- که جز ادعای تشابه و تامل حقوق زن و مرد نیست- به نام تساوای حقوق یاد کنم، اجتناب داشته‌ام.

من نمی‌گویم در هیچ جای دنیا ادعای تساوای حقوق زن و مرد معنی نداشته و ندارد و همه قوانین گذشته و حال جهان مشابهی به مرد را بر مبنای ارزش مساوی وضع کرده‌اند و فقط مشابهت را از میان برده‌اند. خیر، شاهد ادعایی ندارم. اروپای قبل از قرن بیستم بهترین ها شده است. در اروپای قبل از قرن بیستم زن قانوناً و عملاً ناقص مساوی با مرد بود نه حقوقی مساوی با مرد داشت و نه مشابه با او. در نهضت عجولانه‌ای که در کمتر از یک قرن اخیر به نام زن و برابری زن در اروپا صورت گرفت، زن کم‌وبیش حقوقی مشابه با مرد پیدا کرد، اما آیا توجه به وضع طبیعی و احتیاجات جسمی و روحی زن، هرگز حقوق مساوی با مرد پیدا نکرد، زیرا زن اگر بخواهد حقوقی مساوی حقوق مرد و سعادت‌ی مساوی سعادت مرد پیدا کند، راه منحصرش این است که مشابهت حقوقی را از میان بردارد، برای مرد حقوقی متناسب با مرد و برای خودش حقوقی متناسب با خودش قائل شود. تنها از این راه است که وحدت و سمیمیت واقعی میان مرد و زن برقرار می‌شود و زن از سعادت مساوی با مرد بلکه بالاتر از آن برخوردار خواهد شد و مردان از روی خلوص و بدون شائبه اغفال و فریبکاری برای زنان حقوق مساوی و احیاناً بیشتر از خود قائل خواهند شد.

مهمچنین من هرگز ادعا نمی‌کنم حقوقی که عملاً در اجتماع به ظاهر اسلامی ما نصیب زن می‌شد، ارزش مساوی با حقوق مردان داشته است. بارها گفتم‌ا لازم و ضروری است به وضع زن امروز رسیدگی کامل شود و حقوق فراوانی که اسلام به زن اعطا کرده و در طول تاریخ عملاً متروک شده به او باز پس داده شود، نه اینکه با تقلید و تبعیت کورکورانه از روش مردم غرب- که هزاران بدبختی برای خود آنها به وجود آورده- نام قشنگی روی یک فرضیه غلط بگذاریم و بدبختی‌های نوع غربی را بر بدبختی‌های نوع شرقی زن بیفزاییم. ادعای ما این است که عدم تشابه حقوق زن و مرد در حدودی که طبیعت زن و مرد را در وضع نامشابهی قرار داده است، هم با عدالت و حقوق فطری بهتر تطبیق دارد و هم سعادت خانوادگی را بهتر تأمین می‌کند و هم اجتماع را بهتر به جلو می‌برد.

کاملاً توجه داشته باشید ما مدعی هستیم لازمه عدالت و حقوق فطری و انسانی زن و مرد عدم تشابه آنها در پاره‌ای از حقوق است. پس بحث ما صادر صد جنبه فلسفی دارد، به فلسفه حقوق مربوط است، به اصلی مربوط است به نام اصل «عدل» که یکی از ارکان کلام و فقه اسلامی است. اصل عدل همان اصلی است که قانون تطابق عقل و شرع را در اسلام به وجود آورده است، یعنی از نظر فقه اسلامی- و لااقل فقه شیعه- اگر ثابت شود که عدل ایجاب می‌کند، فلان قانون باید چنین باشد نه چنان و اگر چنان باشد ظلم است و خلاف عدالت است، ناچار باید بگوییم حکم شرع هم همین است، زیرا شرع اسلام طبق اصلی که خود تعلیم داده است هرگز از محور عدالت و حقوق فطری و طبیعی خارج نمی‌شود.

بر گرفته از کتاب نظام حقوقی زن در اسلام استاد شهید مطهری



شد. اسماعیل در همان‌جا دواج کرد و نسل او در مکه باقی ماند. اکنون تو دختری پاک هستی که به خدای یگانه ایمان داری و هرگز نشانه‌ای از کفر و بت‌پرستی در زندگی تو نیست. تو بیشتر وقت‌ها در خانه هستی، فضای بیرون خانه، فضای کفر و بت‌پرستی است، زنان بی‌حجاب در شهر رفت و آمد می‌کنند، تو در خانه هستی و زیاد بیرون نمی‌آیی، تو پاکسی و ایمان را از ابراهیم(ع) به ارث برده‌ای، هر چند سیاهی‌ها همه جا را فرا گرفته است ولی تو ثابت کرده‌ای که می‌توان در اوج سیاهی‌ها پاک بود و همچون متهانی درخشید. بهترین الگو برای دختران در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشی. در زمانی که مردم گرفتار ترس و وحشت هستند تو در امن و امان هستی و برای همین هم نام تو «آمنه» است، آمنه به معنای کسی است که از هر ترس و وحشتی در امان است.

نگاهی به زندگی مادران اهل بیت(ع) | «دوازده مادر»

شوید و کتاب دوازده‌مادر بهترین گزینه برای مطالعه محسوب می‌شود.

در بخشی از کتاب دوازده مادر می‌خوانیم:

بانوی من! ای مادر پیامبر! آن قدر پاک و طاهر هستی که خدا چنین مقدر کرد تا تو مسافر بهترین پیامبر او شوی! تو در مکه زندگی می‌کنی، روزگار جاهلیت است، زنان دارنده و پر او واجب است تا مردم را آگاه سازد. در میان مردم به چشم می‌خورد، ولی هیچ نشانه‌ای از بت‌پرستی و کفر در وجود تو نیست.

تو از نسل ابراهیم(ع) هستی، (تو از خاندان فریض می‌باشی)، خدا به ابراهیم دستور داد همسرش هاجر را همراه با «اسماعیل» به مکه آورد تا کعبه را دیگر رونق بگیرد. ابراهیم به سنوی فلسطین بازگشت اما همسرش (هاجر) و فرزندش (اسماعیل) در کنار کعبه ماندند و کم‌کم مکه رونق گرفت و در آنجا شهری بنا

این بخش از تاریخ اسلام قدمی صورت گیرد و به همین دلیل و با عشق به حضرت محمد(ص) و خاندان او دست به قلم برد و کتاب دوازده‌مادر، نگاهی به زندگی مادران اهل بیت(ع) را نوشت.

می‌کند چراکه شیعیان اطلاعات اندکی از زندگی این زنان دارنده و پر او واجب است تا مردم را آگاه سازد. کتاب دوازده‌مادر بسا نگاهی به زندگی مادران اهل بیت(ع) نوشته مهدی خدامیان آرانی تلاش می‌کند شما را با زندگی و شخصیت زنان بزرگ تاریخ اسلام آشنا سازد. این کتاب، نخستین اثری است که به طور تخصصی و جامع به مادران اهل بیت(ع) می‌پردازد.

اگر به عنوان یک شیعه تمایل دارید اطلاعات بیشتری از زندگی و کرامت اهل بیت(ع) داشته باشید، بهتر است هر چه زودتر با مادران این بزرگواران نیز آشنا